

نگرش فلسفی ۲

سایه میثمی

معنا و معرفت در

فلسفه‌ی کوااین

نشر نگاه معاصر

معنا و معرفت در فلسفه‌ی کواين

سایه میثمی

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری:
باسم‌الرسام / حرفه‌چینی و صفحه‌آرایی: کارگاه نگاه معاصر (تینا حسامی) /
لیتوگرافی: نوید چاپ و صحافی: فرنو چاپ اول: ۱۳۸۶ / شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه /
قیمت: ۵۵۰۰ تومان

نگاه معاصر
نشر نگاه معاصر

نشانی: تهران، مینی سیتی، بسیج غربی، رضوان ۲، بلوک ۱۱، واحد ۱۰
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه: میثمی، سایه، - ۱۳۵۰

عنوان و پدیدآور: معنا و معرفت در فلسفه کواين / سایه میثمی

مشخصات نشر: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری: ص ۴۲۷

شابک: ۹۶۱-۷۷۶۳-۵۱-۴

یادداشت: فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا

یادداشت: کتابنامه

عنوان دیگر: فلسفه کواين

موضوع: کواين، ویلارد ون اورمن، ۱۹۰۸-۲۰۰۰ م. Quine, Willard Von Orman

موضوع: معنی‌شناسی (فلسفه)

موضوع: تحلیل فلسفی

موضوع: دلالت (فلسفه)

موضوع: هستی‌شناسی

رده‌بندی کنگره: ۹۱ ک ۹۱/۴۱۵ B

رده‌بندی دیویی: ۱۲۱/۸۰۹۲

شماره کتابخانه ملی: ۱۴۹-۸۵ م

فهرست

۷	سخن آغازین
۹	مقدمه
۱۹	فصل اول: پیشینه‌ی ظهور نظریه‌ی سمانتیک کواین
۲۱	۱. ملاحظات اولیه
۲۶	۲. فرگه
۳۶	۳. راسل
۴۸	۴. ویتگنشتاین
۵۵	۵. پوزیتیویسم منطقی
۶۲	۶. نظریه‌ی صدق تارسکی
۷۰	۷. کارنپ و تحلیل سمانتیک
۹۵	فصل دوم: رهیافت‌های اصلی فلسفه‌ی کواین
۹۷	۱. ملاحظات اولیه
۱۰۱	۲. تجربی‌گرایی
۱۰۵	۳. کل‌نگری
۱۰۸	۴. وحدت‌انگاری روشی
۱۱۱	۵. اصالت عمل (پراگماتیسم)
۱۱۳	۶. فیزیکیالیسم
۱۱۵	۷. طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم)
۱۱۶	۸. رفتارگرایی
۱۱۹	فصل سوم: نظریه‌ی معنا
۱۲۱	۱. ملاحظات اولیه
۱۲۳	۲. احاطه‌ی مسئله‌ی معنا به معناداری و هم‌معنایی

۱۳۰	۳. عدم تعین ترجمه
۱۷۷	۴. حذف گزاره‌ها به مثابه‌ی معانی جملات
۲۰۴	۵. طرد مفهوم تحلیلی
۲۲۷	فصل چهارم: نظریه‌ی ارجاع
۲۲۹	۱. ملاحظات اولیه
۲۳۴	۲. تکوین زبان ارجاعی و تشکیل شاکله‌ی مفهومی علم
۲۵۵	۳. التزام وجودشناختی
۲۷۱	۴. ابهام در ارجاع و نیست وجودشناختی
۲۸۸	۵. صدق
۳۲۱	فصل پنجم: ارزیابی نظریه‌ی سمانتیک کواین
۳۲۱	از حیث تقابل شکاکیت و واقع‌گرایی
۳۲۳	۱. شکاکیت معنایی
۳۳۰	۲. ابهام در ارجاع و واقع‌گرایی
۳۳۷	۳. طبیعت‌گرایی کواین و معرفت‌شناسی طبیعی شده
۳۴۵	۴. سومین جزم تجربه‌گرایی و شکاکیت کواین از منظر دیویدسون
۳۴۹	۵. پاسخ به دیویدسون و توجیه واقع‌گرایی تجربی کواین
۳۶۰	فهرست منابع
۳۸۰	مراجع
۳۸۲	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۳۹۴	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۴۰۶	نمایه

سخن آغازین

در نگارش اثر حاضر که صورت اولیه‌ی آن رساله‌ی دکتری نگارنده در دانشگاه تهران بوده است، اساتید بزرگواری هر یک به شیوه‌ی خویش وی را یاری رساندند و اگر دلسوزی‌های علمی و دقت‌نظری درین ایشان نبود، آنچه نگارنده در سر داشت، هرگز جامه‌ی تحقیق نمی‌پوشید: آقای دکتر محمود خاتمی به عنوان استاد راهنما، آقای دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر روح‌الله عالمی اساتید مشاور، در تمام مراحل نگارش با انتقادات و پیشنهادهای سودمند خود بر ارزش علمی اثر افزودند و در این چند کلام به هیچ‌وجه نمی‌توان قدر زحمات ایشان را به جای آورد. از سوی دیگر، این افتخار نصیب نگارنده شد که استادانی فاضل همچون آقای دکتر ضیاء موحد و آقای دکتر شاپور اعتماد نه فقط داوری کار را بر عهده گرفتند بلکه با انتقادات ارزشمند خود از کاستی‌های اثر کاستند. در پایان مراتب سپاس خود را تقدیم می‌کنم به استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان که با تأیید طرح نخستین اثر نگارنده را دلگرم ساختند، در تهیه‌ی منابع وی را دستگیر شدند، و نهایتاً با مطالعه‌ی دقیق صورت نهایی این نوشتار، ضمن تأیید آن برای انتشار، مواردی را اصلاح فرمودند که نگارنده همه را به دیده‌ی منت پذیرا شد.

و اما نکته‌ای راجع به خود کتاب که ذکر آن را لازم می‌دانم. در مطالعه‌ی این کتاب آنچه بیش از هر چیز می‌تواند مفید فایده باشد و بخش عمده‌ی کار را نیز تشکیل داده است، شرحی است که از نظریه‌ی سمانتیک کواپن به دست داده‌ام که به خصوص در حوزه‌ی فلسفه‌ی زبان بسیار روشنگر است، هرچند که علاقه‌مندان به حوزه‌های دیگر فلسفه‌ی تحلیلی نیز آن را بی‌فایده نخواهند یافت. اما تا جایی که به نظریه‌ی

پیشنهادی نگارنده مربوط می‌شود، یعنی تلاش او برای اثبات واقع‌گرایی کواین در چارچوب علم تجربی، چه‌بسا همچنان جای بحث و انتقاد باشد و تعدادی از منتقدین نمی‌توانند همسازی شکاکیت معنایی کواین را با هیچ نوعی از واقع‌گرایی بپذیرند، حتی اگر واقع‌گرایی به تعبیر خاصی باشد که در این اثر ارائه شده است. نگارنده نیز اگرچه تلاش کرده است تا نشان دهد که کواین در چارچوب نظام فلسفی خود و به خصوص در پرتو طبیعت‌گرایی اش، به رغم شکاکیت معنایی، توانسته است نوع خاصی از واقع‌گرایی، و نه واقع‌گرایی به معنای سنتی کلمه، را حفظ کند، در عین حال اقرار می‌کند که قرانت نسبی‌گرایانه از کواین نیز ممکن است، به خصوص آن که عدم تعین معنای فی نفسه یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی نسبی‌گرایانه‌ی پُست مدرن است.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از ناشر دلسوز و مشتاق جناب آقای اکبر قنبری از صمیم دل تشکر کنم و صادقانه بگویم که همت این بزرگوار در عرصه‌ی نشر دانش بی‌قیمت است.

مقدمه

فلسفه‌ی کوااین با ابعاد متنوعی که دارد، نه فقط تجسم بارز تحول نگرش و رهیافت‌های فلسفی در قرن بیستم است، بلکه از آن نیز فراتر می‌رود و در این کار نقاط عطفی در بطن فلسفه‌ی معاصر خود پدید می‌آورد. فلسفه‌ی کوااین را در عین تعلق خاطر به جریان‌های اصلی فلسفه‌ی این دوران و تأثیرپذیری از این جریان‌ها، یعنی پوزیتیویسم منطقی و اصالت عمل، نمی‌توان به یکی از آنها فروکاست، بلکه او با تأثیرپذیری و فراروی توأمان، نظامی بر می‌سازد که مختص به خود است. کوااین یک فیلسوف مؤسس و نظام‌ساز است، و این نظام‌سازی است که نه تنها او را از اکثر فیلسوفان تحلیلی متمایز می‌کند، بلکه تقریباً در هر حوزه‌ای از فعالیت فلسفی، رجوع به آرائش را ناگزیر می‌سازد. این یکپارچگی همچنین سبب می‌شود که فهم نظریات او در یک حوزه، غالباً بدون ورود به حوزه‌های دیگر میسر نباشد.

دامنه‌ی وسیع فلسفه‌ی کوااین به خصوص آنجا که معنا را طرد می‌کند و به عدم تعین ترجمه می‌رسد، و نیز قول او مبنی بر فرارفتن نظریه‌ها از قرائن مشاهدتی، حتی سبب شده است که بعضی میان او و فلسفه‌ی پُست-مدرن اروپایی، به خصوص سنت ساختارشکنی، قرابت‌هایی احساس کنند.^۱ آنچه این برداشت را موجب شده است، وجود رگه‌هایی

۱. حول این موضوع همایشی در سال ۱۹۹۰ با حضور کوااین و بسیاری فیلسوفان معروف از جمله دیویدسون، فولسفال، و امبر توآکو در دانشگاه سان مارینو برگزار شد که یک هفته به طول انجامید. مقالات ارائه شده در آن همایش در مجموعه‌ی زیر به چاپ

از شکاکیت و نسبی‌گرایی است که در تحلیل سمانتیک کواین می‌توان یافت، و هر چند خود به آن اذعان ندارد و در مقام یک فیلسوف تجربه‌گرا و قائل به اصالت علم تجربی، تلاش می‌کند تا از لوازم شکاکانه و نسبی‌گرایانه‌ی نظریه‌ی سمانتیک خود بگریزد، همچنان کسانی او را به ضدیت با واقع‌گرایی متهم می‌کنند.^۱ اثر حاضر در عین تأکید بر این رگه‌ها، تلاش دارد تا نشان دهد که کواین در مقام یک طبیعت‌گرا و وفادار به علم تجربی، تلاش می‌کند تا به واقع‌گرایی در چارچوب علم پایبند بماند.

اما پیش از ورود به موضوع اصلی کتاب، ابتدا لازم است که مختصراً به جایگاه کواین در فلسفه‌ی قرن بیستم از حیث تأثیر نحله‌های رایج و نیز جرح و تعدیلی که در آنها صورت داده است، اشاره‌ای داشته باشیم. این توضیح، علاوه بر لزوم آن به منظور درک جایگاه کواین، برای توجیه نسبت فصل اول کتاب با موضوع اصلی آن ضرورت دارد.

فلسفه‌ی کواین چنان پیوندی با پوزیتیویسم منطقی از یک سو، و اصالت عمل آمریکایی از سوی دیگر، دارد که می‌توان از آن به "اصالت عمل منطقی"^۲ نیز تعبیر کرد. فلسفه‌ی او از یک سو تداعی‌کننده‌ی تجربه‌گرایان سنتی مانند لاک و هیوم، و نیز اعضای حلقه‌ی وین، به خصوص کارنپ است، و از سوی دیگر، تحت تأثیر ویلیام جیمز و پرس و دیوئی. البته از پیوند دیگری، یعنی پیوند با سنت منطقی-ریاضی راسل و فرگه و گودل و ... نیز می‌توان یاد کرد، اما از آنجا که این سنت اخیر از

→ رسیده است:

Paolo Leonardi and Marco Santambrogio, *On Quine: New Essays*, Cambridge UPS, 1995.

۱. هیلاری پاتنم فیلسوف علم و از دوستان نزدیک کواین از جمله کسانی است که فلسفه‌ی کواین را منجر به ضدیت با واقع‌گرایی و حتی واجد‌گرایش‌های ساختارشکنانه (deconstructionist) می‌داند. در این مورد بنگرید:

Hilary, Putnam, *Realism with a Human Face*, Harvard University Press, 1990.

2. logical pragmatism

جهتی بنیاد پوزیتیویسم منطقی نیز هست، با سخن از تأثیر پوزیتیویسم منطقی، در واقع تأثیر آن را از پیش فرض گرفته‌ایم.

از حیث نسبت کواین با پوزیتیویسم منطقی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که علاوه بر وجوه اشتراک، موارد اختلاف را نیز در بر می‌گیرد:

- کواین همچون پوزیتیویست‌های منطقی، هم در معرفت‌شناسی و هم در نظریه‌ی سمانتیک خود که پیوند محکمی با یکدیگر دارند، مطابق اصول تجربه‌گرایی می‌اندیشد. او تجربه‌ی حسی را نه تنها قرینه‌ی باورهای ما لحاظ می‌کند، بلکه معنای زبان را نیز در گرو همین قرینه‌ی حسی می‌داند. کواین در تحلیل سمانتیک خود همه‌جاسعی می‌کند که به این تجربه‌گرایی پایبند باشد و از محدوده‌ی امور قابل مشاهده، قدم فراتر نگذارد.

- اگرچه با پذیرش قرینه‌ی تجربی به عنوان سرچشمه‌ی معنای جملات، کواین به راه نظریه‌ی تحقیق‌پذیری معنا می‌رود، با کل‌نگری خود تغییری بنیادی در این نظریه پدید می‌آورد. مطابق این کل‌نگری، هر جمله را به تنهایی نمی‌توان در تجربه تأیید یا تکذیب کرد، بلکه پاره‌های بزرگتری از نظریه‌ی ما راجع به جهان در "دادگاه تجربه" حاضر می‌شود.

- نزد کواین نیز همچون پوزیتیویست‌های منطقی، علوم دقیقه -ریاضی و علوم طبیعی- الگوی اعلای معرفت بشری، و چه بسا همه‌ی معرفت ممکن است، و در فلسفه که نزد او فلسفه‌ای طبیعی شده است نیز باید مطابق همین الگو پیش رفت. از این دیدگاه معمولاً به "اصالت علم" تعبیر می‌شود.

- کواین از طرح پوزیتیویست‌ها مبنی بر "وحدت علوم" و جایگاه الگویی علم فیزیک تبعیت می‌کند اما آن را از تقلیل‌گرایی^۱ می‌پیراید که در حلقه‌ی وین‌گرایش غالب در معرفت‌شناسی بود و مطابق آن هر قضیه‌ای را قابل ترجمه و تقلیل به "گزاره‌های پایه" (یا "پروتکل") می‌دانستند که بنا

به تعریف ایشان ناظر بود به آنچه به طور بی‌واسطه در تجربه‌ی حسی "داده" می‌شود، همان که "داده‌ی حسی" می‌خوانیم. البته کوااین در طرد این فنومالیسم، و گرایش به فیزیکیالیسم، به راه یکی از اعضای برجسته‌ی حلقه، اُتو نویرات، می‌رود، که در بسیاری موارد با دیدگاه‌های غالب حلقه‌ی وین که نماینده‌ی اولیه‌ی آن موریس شلیک بود، مخالفت می‌ورزید و دیدگاه‌های او معمولاً واجد بصیرت عمیقی است. کوااین به جای "گزاره‌های پایه"، از "جملات مشاهدتی" می‌گوید که مدخل ورود به زبان است.^۱ فیزیکیالیسم به جای داده‌های حسی، بر امور فیزیکی اتکا دارد و در تحلیل زبانی معرفت نیز، بر خصلت عمومی و اجتماعی زبان تأکید می‌ورزد.

• همچون پوزیتیویست‌های منطقی، کوااین با هویات کلی و انتزاعی سر ناسازگاری دارد و در بسیاری موارد بدون آن که خود اذعان داشته باشد، دست کم در عمل همچون یک نومینالیست جلوه می‌کند. اما از این حیث تفاوتی میان او و پوزیتیویست‌ها وجود دارد که نباید از نظر دور بماند. کوااین از منظر فلسفی و متافیزیکی نیست که هویات انتزاعی را طرد می‌کند، بلکه بی‌فایده بودن آنها در امر تبیین و پیش‌بینی پدیده‌هاست که مخالفتش را برمی‌انگیزد. گواه ما بر این که صرف انتزاعی بودن نزد کوااین دلیل طرد هویات معنایی نیست حضور اموری انتزاعی همچون اعداد و مجموعه‌ها در نظام اوست که به زعم کوااین بدون آنها پای علم تجربی لنگ می‌ماند. پیداست که در اینجا اصالت عمل کوااین بر تجربه‌گرایی او تفوق یافته است.

مورد اخیر تنها جایی نیست که در آن گرایش کوااین را به اصالت عمل مشاهده می‌کنیم، بلکه به طور کلی اصالت عمل در کوااین بسیار قوی است، و اگرچه هر چه در آثار او پیشتر می‌رویم، این گرایش تحت‌الشعاع طبیعت‌گرایی واقع می‌شود و کوااین تلاش می‌کند تا با تکیه بر نظریه‌ی

۱. توضیح این مطلب بعداً به طور مفصل خواهد آمد.

علمی رایج راجع به جهان، و تأکید بر واقعیت آن، ولو فقط در چارچوب آن نظریه، از نسبی‌گرایی ملازم با اصالت عمل رها شود، به نظر نمی‌رسد که هرگز بتوان اصالت عمل را از فلسفه‌ی او کنار گذاشت. رگه‌های اصالت عمل کواین را می‌توان به شکل زیر فهرست کرد:

- عزل نظر از دیدگاه دکارتی در معرفت‌شناسی که مبنایی یقینی برای معرفت می‌جوید. در اصالت عمل، باور مطلق و یقینی، جای خود را به حدس‌هایی محتمل می‌سپارد که بیشترین قدرت را در تبیین پدیده‌ها داشته باشند.

- در اصالت عمل، و نیز نزد کواین، معرفت همچون آینه‌ای منفعل برای بازتاباندن واقعیت مستقل خارجی لحاظ نمی‌شود، بلکه به نوبه‌ی خود محصول فرایندی فعال، یعنی فرایند تحقیق علمی است. مفاهیم و باورها که شاکله‌ی مفهومی یا نظریه‌ی ما را راجع به جهان تشکیل می‌دهند، ابزارهایی هستند در خدمت تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، و فرایند جستار علمی همچون همه‌ی افعال جمعی بشر، از سنخ ارتباط میان انسانهاست، و از این سبب تحلیل زبان که وسیله‌ی ارتباط است، به شناخت ماهیت علم کمک می‌کند.

- معنای مفاهیم و باورها در گرو آن نتایج تجربی است که در صورت کاربرد آن مفاهیم با صدق باورها، برای افعال خود انتظار داریم. برای مثال، معنای "اسید" عبارت است از این که اطلاق آن بر یک مایع به خصوص در صورتی درست باشد که آن مایع، کاغذ تورنسل آبی رنگ را قرمز کند. این تعریف از معنا که نخستین بار از سوی پرس، بنیانگذار اصالت عمل، پیشنهاد شد، تقریباً همان است که در پوزیتیویسم منطقی از آن تحت عنوان شرط تحقیق‌پذیری یاد می‌شود و در مورد معناداری گزاره‌ها اطلاق می‌گردد. کواین در توجه به مشاهدات و ابتناء تحلیل سمانتیک خود بر اثرات و افعال قابل مشاهده، به جوهره‌ی تحقیق‌پذیری پایبند می‌ماند.

• در اصالت عمل، حقیقت یا صدق، جایگاه مستقل و مطلق خود را از دست می‌دهد و تحت الشعاع افعال انسانی واقع می‌شود، به این معنا که حقیقت/صدق را محصول توافق عده‌ای، مثلاً دانشمندان در یک تحقیق علمی، می‌دانند، و توجیه صدق را بر اساس فایده‌ی عملی انجام می‌دهند. کواپن اگرچه معرفت را تافته‌ای دستبافت انسان می‌داند و همچون قائلین به اصالت عمل، بر نقش انسان در تشکیل شاکله‌ی مفهوم علم بسیار تأکید دارد، تلقی منفعت‌گرایانه‌ی ایشان را از صدق نمی‌پذیرد و در جهت اثبات خصلت واقع‌نمای صدق تلاش می‌کند و در همین راستا است که نظریه‌ی تارسکی را در تعریف صدق می‌پذیرد و محتوایی واقع‌گرایانه برای آن در نظر می‌گیرد. البته از آنجا که خود "واقعیت" برای کواپن نهایتاً در چارچوب نظریه‌ی مختار تعین می‌یابد و مطلق‌اندیشی او فقط در نسبت با یک نظریه معنا پیدا می‌کند که به نوبه‌ی خود بنا بر ملاحظات عملی اختیار شده است، این که تا چه اندازه او می‌تواند از لوازم نسبی‌گرایانه‌ی اصالت عمل دور شود، همواره محل بحث و بررسی بوده است.

آنچه کواپن در پرتوش برای دور شدن از نسبی‌گرایی تلاش می‌کند، طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) اوست. طبیعت‌گرایی به معنای طرد فلسفه‌ی اولی و همه‌ی مفاهیم و شیوه‌های ماتقدم است و تسلیم شدن به یافته‌های علم تجربی و نظریه‌ی مختار و رایج در باب جهان. کواپن معتقد است که نمی‌توان مبنایی محکم‌تر از علم تجربی را بیرون از مرزهای آن جستجو کرد و در همین چارچوب است که می‌توان با آسودگی از "واقعیت" سخن گفت. چنین به نظر می‌رسد که او هر چه در آثارش پیشتر می‌رود، در این دیدگاه خود راسخ‌تر می‌گردد و همه جا باید برای فهم آراء و درک شیوه‌هایش در تحلیل معرفت و زبان، طبیعت‌گرایی او را از پیش در نظر داشته باشیم تا دریابیم که با تکیه بر چه مبنایی می‌خواهد از گرفتار آمدن به شکاکیت و نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی نجات یابد.

کوااین فیلسوف بسیار تأثیرگذاری بوده است و این از حجم عظیم آثار و مجموعه‌هایی که درباره‌اش به نگارش درآمده و منتشر شده است، پیداست. ضمناً، اکثر این نوشته‌ها به دست کسانی به نگارش درآمده است که خود از فیلسوفان یا استادان طراز اول فلسفه‌اند. علاوه بر مقالات انتقادی، کتاب‌هایی هم در شرح و تفسیر آراء او نوشته شده است و هنوز هم همه ساله می‌توان با آثار تازه‌ای از این دست مواجه شد. اما آنچه هم در مورد مقالات انتقادی و هم در مورد کتاب‌ها بیش از همه جلب نظر می‌کند، تنوعی است که در دیدگاه‌ها و برداشت‌های نویسندگان آنها وجود دارد.

در بررسی آراء کوااین، هر کجا که به نظر می‌رسد اشکالی وجود دارد، در همان حال که منتقد برای حمله آماده می‌شود، از جایی دیگر پاسخی سر برون می‌آورد و منتقد را به تأمل بیشتر وامی‌دارد. گاه این پاسخ او را کاملاً راضی می‌سازد، اما مواردی نیز هست که هنوز به نتیجه نرسیده، سرخ از دست او می‌لغزد و بیرون می‌آید و برای یافتن آن باید از نو در هزارتوی اندیشه‌ها یا "شبکه‌ی باور" کوااین به جستجو پردازد. این خصلت شبکه‌ای فلسفه‌ی کوااین را می‌توان به نظر مساعد نگریست و با همان لحنی که برای تمجید از فیلسوفان نظام‌ساز به کار می‌رود، از قدرت و غنای درونی‌اش سخن گفت و در برابر هر نقدی چنین پاسخ داد که قطعاً جواب اشکال مورد نظر را در گوشه‌ای دیگر از فلسفه‌ی کوااین می‌توان یافت و اگر فلسفه‌ی کوااین را در کلیت آن مد نظر قرار دهیم اشکال مورد نظر رفع خواهد شد.

از سوی دیگر، ممکن است کسی نظام‌ساز بودن کوااین را ناسازگار با روحیه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی تلقی کند و کل آن را مبتنی بر پیشفرض‌هایی جزمی بداند که با طرد آنها همه‌ی نظام فرو می‌ریزد. اما نگارنده، دست کم در محدوده‌ی فیلسوفان تحلیلی، با چنین واکنشی نسبت به فلسفه‌ی کوااین برخورد نکرده است و مهم‌ترین منتقدان کوااین را در میان شاگردان

خود او یافته است که در بسیاری از اصول تفکرشان همچنان با کواین همراهاند و به نظر نمی‌رسد که نقدهای خود را منجر به فروپاشی کل فلسفه‌ی کواین لحاظ کرده باشند.

کتاب حاضر بر تحلیل سمانتیک کواین متمرکز شده است و از آنجا که شیوه‌ی کواین برای معرفت‌شناسی، تحلیل سمانتیک، یعنی بررسی و مطالعه در معنا و مرجع صورت‌های زبانی است، آنچه تحت این عنوان شرح داده می‌شود، در واقع نسبتی نزدیک نیز با معرفت‌شناسی او پیدا می‌کند. اما تحلیل سمانتیک با کواین آغاز نشده است و پیش از او کارهای ارزشمندی صورت پذیرفته که از آن میان، خطی را که مستقیماً به کواین می‌رسد، به اجمال در فصل اول ترسیم کرده‌ایم. فصل نخست را به فرگه، راسل، ویتگنشتاین، تارسکی، حلقه‌ی وین و به طور برجسته کارنپ اختصاص داده‌ایم چرا که فلسفه‌ی زبان کواین و به خصوص تحلیل سمانتیک او اساساً در ادامه‌ی سنتی معنا پیدا می‌کند که ایشان بنیان گذاشته‌اند، و از سوی دیگر، برخی از مواضع اساسی فلسفه‌ی کواین در جهت تعدیل و اصلاح و یا حتی حذف برخی از اصول آنها بیان شده است.

در فلسفه‌ی تحلیل زبانی، شاخه‌ی مهمی نیز تحت عنوان "فلسفه‌ی زبان متعارف" وجود دارد که در آن توجه به زبان طبیعی و افعالی که با زبان در متن جامعه‌ی زبانی انجام می‌شود، شیوه‌ی تحلیل منطقی و اهمیت زبان‌های صوری شده برای تحلیل علم را تحت الشعاع خود قرار داده است. این نوع فلسفه بیشتر در انگلستان مورد توجه واقع شد، اما در فلسفه‌ی تحلیلی آمریکا، دیدگاه غالب همان بود که از آن به اصالت عمل منطقی تعبیر کردیم که در آن علاوه بر ملاحظات عملی، تحلیل منطقی زبان و اصالت علم درجه‌ی اول اهمیت را دارد. فلسفه‌ی تحلیلی در آمریکا به همان اندازه که وامدار پرس و جیمز و دیوئی است، در تفکر

منطقی - ریاضی و تلقی فلسفه به عنوان تحلیل مبانی علم تجربی، مدیون پوزیتیویسم منطقی است.

برای ارائه‌ی پیش‌زمینه‌ی تحلیل سمانتیک نزد کواین، کسانی را برگزیده‌ایم که مستقیماً مورد توجه او بوده‌اند و کواین بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات خود را از آنها وام گرفته است. البته از آنجا که موضوع اصلی بحث ما اصالت عمل کواین نیست، فصل مجزایی را به این دیدگاه و فیلسوفان آن اختصاص نداده و صرفاً در خلال مباحث و در صورت لزوم، اشاراتی به برخی پیوندها و تأثیرات داشته‌ایم.

از آنجا که نظریه‌ی سمانتیک در دو شاخه‌ی معنا^۱ و ارجاع^۲ مطرح شده است و کواین نیز این دو مبحث را از هم متمایز می‌سازد، تحلیل سمانتیک او را به دو فصل تقسیم کرده‌ایم. نظریه‌ی معنای کواین به مفاهیمی از قبیل معنا و معناداری و مفهوم تحلیلی بودن می‌پردازد و رهیافت سلبی و حذفی او نسبت به هویات معنایی مستقیماً به یکی از بحث‌انگیزترین مباحث در فلسفه‌ی او، یعنی "نظریه‌ی عدم تعین ترجمه"، مربوط می‌شود. در نظریه‌ی معناست که بیش از هر جای دیگر می‌توان وجوه تفارق کواین و کارنپ را مشاهده کرد. نظریه‌ی ارجاع رویه‌ی مثبت نظریه‌ی سمانتیک کواین است و در آن علاوه بر بررسی نحوه‌ی تشکیل زبان ارجاعی با رهیافتی رفتارگرایانه، به مباحثی همچون التزام وجودشناختی، ساختارگرایی علمی و نسبیت وجودشناختی می‌پردازد. در این بخش به مناسبت وجودشناسی علم و ساختارگرایی علمی، مبحث "عدم تعین علم" در مقایسه با "عدم تعین ترجمه" مطرح می‌شود و ارزیابی نهایی این دو نظریه در مقایسه با یکدیگر، پس از توضیح نظر کواین راجع به مفهوم "صدق" انجام می‌گردد که خود از مفاهیم مهم در نظریه‌ی ارجاع کواین است و بخشی را به آن اختصاص داده‌ایم.

از مبحث صدق می‌توان به معرفت‌شناسی کوااین پلی زد و این کار به فصل پنجم محول شده است. در این فصل ضمن جمع‌بندی نظریه‌ی سمانتیک کوااین و بررسی لوازم شکاکانه و نسبی‌گرایانه‌ی آن، هم در حوزه‌ی معنا و هم ارجاع، معرفت‌شناسی طبیعی شده‌ی او مطرح شده است که علاوه بر طرد فلسفه‌ی اولی، تلاشی واقع‌گرایانه برای حفظ حیثیت واقع‌نمای علم تجربی است.

در تهیه‌ی مطالب فوق چاره‌ای جز رجوع به تقریباً تمام آثار اصلی کوااین نبود چرا که تار و پود اندیشه‌ی این فیلسوف چنان در همه‌ی حوزه‌ها به هم تنیده شده است، که به ناگزیر از یکی به دیگری راه می‌بریم و برای مثال آنگاه که در مورد زبان و نحوه‌ی تشکیل آن سخن می‌گوییم، به ناگهان خود را در دل فلسفه‌ی علم او می‌یابیم، و بالعکس. اما نکته‌ای که برای مطالعه‌ی فلسفه‌ی کوااین باید به خاطر سپرد، آن است که کوااین اولاً یک فیلسوف منطق‌دان است و فلسفه‌ی منطق او پیش‌زمینه‌ی فهم همه‌ی حوزه‌های دیگر است، و ثانیاً در تمام حوزه‌ها اعم از معرفت‌شناسی و وجودشناسی، رهیافت او رهیافت زبانی است و از این سبب، نظریه‌ی سمانتیک کوااین صرفاً بخشی از آرائش را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اگر اغراق نباشد، مبنای همه‌ی اندیشه‌ی اوست. اگر نکته‌ی اخیر را بپذیریم، می‌توان گفت که اثر حاضر بسیاری از آراء کوااین را پوشش داده است و وسعت مطالب و تنوع موضوعات، نه به معنای دور شدن از موضوع اصلی، بلکه به دلیل جایگاه محوری نظریه‌ی سمانتیک در فلسفه‌ی کوااین است.